

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

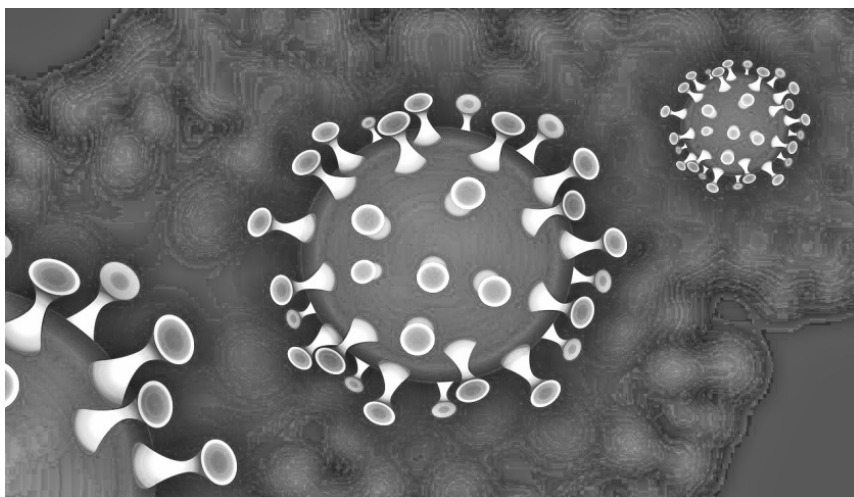
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

راب ویلکی  
فرستنده: عثمان حیدری  
۳۰ مارچ ۲۰۲۰

## این ویروس، هستی‌شناسی جدیدی نیاورده است!



### مقدمه مترجم:

راب ویلکی از اعضای نشریه «نقد سرخ» است. او در این نوشته در مقابل اندیشمندان «چپی» که هر کدام از منظر خویش شیوع ویروس کرونا در سرتاسر جهان را به‌نحوی رازآمیز توضیح می‌دهند می‌ایستد و علیه این باورهای «نو»، باز بر این امر پای می‌فشارد که گذار از سرمایه‌داری به‌میانجی عمل سازمان‌یافته طبقه کارگر مولد روی خواهد داد و اتفاقاً وضعیت کنونی جهان را تأییدی بر همین دیدگاه ارتدوکس می‌پندارد. اگر سرمایه‌داران سر کار نروند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ این در حالی است که کارگران – تولیدکنندگان – اگر دست به کار نبرند، حیات اجتماعی ما نابود خواهد شد. نتیجه این که اصلی‌ترین سوژه دگرگونی این وضعیت اجتماعی کسی نیست جز پرولتاریا! ویلکی از بلاهت زندگی سخن بر زبان می‌آورد که اینک در حال گذراندن آنیم؛ طبقه کارگر منتظر است تا این اوضاع فیصله یابد و باز به سر کار برگردد و استثمار بشود. وظیفه بی‌درنگ طبقه کارگر اما نمی‌تواند چیزی باشد جز مبارزه با نظم سرمایه‌دارانه و قدرت‌های سرکرده امپریالیستی. بورژوازی مدت‌هاست که دیگر صلاحیت حکمرانی بر بشریت را ندارد. طبقه کارگر چاره‌ای ندارد جز این که با عمل قهری خویش این حکمرانی را از آن

خود سازد. شاید به همین دلیل باشد که تنها در کشورهایی چون کوبا و ونزوئلا شاهد مقابله انسانی با این ویروس هستیم!

\*\*\*\*\*

۱-۱: همه‌گیری ویروس کرونا با اجبار تعطیلی بخش‌های مولد جامعه، مهر تأیید دوباره‌ای بود بر چیزی که «هر کودکی می‌داند»: این که «یک ملت، اگر – نمی‌گویم برای یک سال، بلکه حتی برای چند هفته – دست از کار بکشد نابود خواهد شد» (نامه مارکس به کوگلمان، ۱۱ جولای ۱۸۶۸).

۲-۱: این بدان دلیل است که همه‌گیری ویروس کرونا خلاف جنگ یا فجایع زیست‌محیطی که نه تنها مرگ بلکه همچنین نابودی ابزار تولید را به بار می‌آورد، ابزار تولید را دست‌نخورده نگاه داشته است.

۳-۱: باری، بخش‌های مالی و تجاری اقتصاد هم فروپاشیده‌اند؛ حتی با این که کارگران شاغل در این نواحی را مشاغل «ضروری» اجتماعی قلمداد کرده‌اند و آنان را واداشته‌اند تا سر کار بمانند، آن‌هم غالباً تحت شرایط خطرناک و تهدیدکننده.

۴-۱: حلقه «مفقوده» عبارت است از کارگران مولد.

۵-۱: بدون استثمار کار در نقطه تولید که منشأ سودهایی است که نظام گسترده توزیع و مالیه سرمایه‌دارانه بدان مبتنا دارد، کل شیوه تولید سرمایه‌دارانه از حرکت باز می‌ایستد.

۶-۱: بدین ترتیب، همه‌گیری ویروس کرونا واقعیتی مادی را به این کیش بازرگانی که آنتونیو نگری و دیگر «کشیشان بورژوازی» دهه‌هاست آن را تبلیغ می‌کنند تحمیل کرده است؛ این آیت مقدس که «تولید سرمایه‌دارانه از استثمار کار ... به استخراج سرمایه‌دارانه ارزش (غالباً از طریق ابزارهای مالی) تغییر شکل داده است» (مجمع، ص ۱۹۱).

۷-۱: استخراج مالیه یکی از شکل‌های (باز) توزیع ارزش اضافه است. منشأ آن، اما، استثمار می‌باشد.

۱-۲: «چپ»، به جای بحث از استثمار کار به مثابه منشأ ارزش اضافه، تنها روایت‌های خود را از (باز) توزیع اضافه اجتماعی تبلیغ کرده است، بی‌این که حتی منشأ این ارزش اضافه را زیر سؤال ببرد.

۲-۲: اسلاوی ژیرک پس از بیان این که «ویروس کرونا فرصت جدیدی برای کمونیسم» به ما می‌دهد، وظایف کشیش‌مآبانۀ خود را به‌نحو احسن انجام داد، وقتی که به پامنبری‌هایش گفت که «مقصود من از کمونیسم صرفاً همان چیزی است که سازمان جهانی بهداشت می‌گوید. باید بسیج شویم، همیاری و رزیم و کارهایی از این قبیل...» («آنچه درباره ویروس کرونا برایم جالب است»، اسپکتاتور، ۱۴ مارس ۲۰۲۰).

۳-۲: باری، آنچه سازمان بهداشت جهانی می‌خواهد نهایتاً همان چیزی است که سرمایه‌داران می‌خواهند: احیای شرایط استثمارگرانه تولید به سریع‌ترین شکل ممکن.

۴-۲: کمونیسم ترمیم‌گرانه نیست، انقلابی است. کمونیسم «سرنگونی قهری همه شرایط اجتماعی موجود است» (مارکس و انگلس، مانیفست حزب کمونیست).

۱-۳: جورجو آگامبن، با بازگو کردن حرف‌های دونالد ترامپ، با این استدلال که این همه‌گیری ویروسی اساساً یک‌جور شوخی احمقانه است و این که چیزی نیست جز ابتکاری ناظر بر زیست‌سیاست برای ایجاد «وضعیت استثنائی» دائمی، داد مخاطبان را درآورده است («ابداع یک اپیدمی»، ژورنال اروپائی روانکاوی). او می‌نویسد: «انسان‌ها چنان با زیستن در شرایط اضطرار و بحران مداوم خو گرفته‌اند که به نظر نمی‌رسد که به این مسأله

توجهی داشته باشند که زندگی‌شان به یک وضعیت منحصرأ زیست‌شناختی فروکاسته شده است» («شفاف‌سازی»)، ژورنال اروپایی روانکاوی).

۲-۳: اما اگر، آن‌طور که آگامبن ادعا می‌کند، این ویروس هول‌وهراسی باشد که توسط دولت (پنهان) ایجاد شده تا انسانیت را به هستی‌شناسی جدید «حیات برهنه» فروبکاهد، پس پیش از این بحران اوضاع از چه قرار بوده است؟ آنچه آگامبن در اشتیاق خویش به بازگشت به «وضعیت عادی» بر زبان می‌آورد، چیزی نیست جز همان روابط تولیدی مبتنی بر استثماری که اساس و بنیاد جامعه سرمایه‌دارانه است.

۳-۳: این فوکو بود که ننولیرالیسم را در مقام بدیل ضروری کمونیسم می‌ستود – «جامعه‌ای که در آن شاهد بهینه‌سازی نظام‌های تفاوت خواهیم بود» (تولد زیست-سیاست، ص ۲۵۹).

۴-۳: البته طنز قضیه آنجاست که در آغاز، بالِ چپ سرمایه همان خطِ چرخش پوپولیستی راست به سیاست «مترقی» بازتوزیع – در شکل پرداخت‌های مستقیم به کارگران – را دنبال کرد؛ پیش از آن که راست‌ها به تابع‌های ایدئولوژیک سنتی خویش، یعنی کمابیش همان دفاع‌های صریح از بازار، برگردند.

۵-۳: با این همه، هیچ سطحی از بازتوزیع – آن‌طور که برای بیشینه کارگرانی نیاز است که هر روز بیشتر دخل‌وخرج‌شان با هم نمی‌خواند – این بحران را حل نمی‌کند. هر پولی که توسط افراد دریافت می‌شود بسادگی به سرمایه تجاری – در شکل مصرف شخصی – یا به سرمایه مالی – در شکل بدهی‌ها و وام‌ها – بازگردانده می‌شود. بازتوزیع همواره، دست آخر، به سرمایه سود می‌رساند.

۶-۳: بحران اقتصادی تا زمانی که تولید تعطیل باشد، تداوم خواهد داشت. سرمایه‌داری قادر نیست بدون بازگرداندن استثمار خود را تداوم ببخشد.

۱-۴: راحلّ این بحران را هم نمی‌توان در خودانگیختگی شتاب‌گرایی (accelerationism) یافت.<sup>۱</sup> این ویروس، آن‌گونه که تیموتی مورتون (هستی‌شناس ابرهم‌محور) در تئوئتر خود گفته است، جایگزینی پسانسانی برای «خدا» نیست که باید «شکرگزارش» باشیم که «اعتصاب عمومی غول‌آسایی ایجاد کرده است» و «در ساعات شلوغ ۱۸۰۰۰ ماشین کمتر را به خیابان‌ها» فرستاده است (تاریخ تئوئیت‌ها ۹ و ۱۲ مارچ است).

۲-۴: با بازگشتن به مضحکه نهفته در این تراژیدی می‌بینیم که این ویروس، خلاف استدلال ژژک، «روح» هگلی هم نیست («مراقبت و تنبیه؟ بله، لطفاً»، فیلسوفیکال سالون، ۱۶ مارچ ۲۰۲۰). برای هگل، تحقق عبارت «روح همان استخوان است» بخشی از فرایند دیالکتیکی است که آگاهی، از طریق خارجیت‌یابی، «خود را با فعالیت خویش تولید می‌کند» (پدیدارشناسی روح، ۳۷۰). به عبارت دیگر، مفصل‌بندی هگل روحانی‌سازی کار است؛ ابزاری مادی که انسانیت بدان وسیله خود را تولید می‌کند و شرایط وجودی‌اش به انکشاف «عقل» استحاله می‌یابد. برای ژژک، «روح همان ویروس است» نشانه آگاهی غیردیالکتیکی است که در آن جای عاملیت کار با عقوبت دینی «سازگاری‌مان» با «امکان‌مندی غایی و بی‌معنایی زندگی‌هایمان» عوض می‌شود.

۳-۴: ستایش نفرت‌انگیز ژژک و مورتون از این ویروس به‌مثابه یک کنش در-خود ضد اجتماعی این واقعیت را مخدوش می‌سازد که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید به معنای این است که توانائی طبقه کارگر برای دستیابی به وسایل معاش (مزد) کاملاً تحت ید سرمایه‌داران است.

۴-۴: این ویروس، هستی‌شناسی جدیدی نیاورده است. این کیفرخواست تاریخی شیوه تولید سرمایه‌دارانه است. این صرفاً حکم اعدام هزاران کارگر است – نه تنها کسانی که به این ویروس مبتلا شده‌اند بلکه همه کسانی که به‌خاطر عدم توانائی‌شان در فروش نیروی کارشان در ازای دستمزد، پول‌شان برای غذا، مسکن و مراقبت‌های داروئی تمام

می‌شود - چرا که سرمایه‌داری نیروی مولد کار را گرفته است و آن را نه در خدمت خیر اجتماعی، بلکه در راستای تولید ثروت خصوصی به کار گرفته است.

۴-۵: «بربریت» پیش‌شرط سوسیالیسم نیست. متضاد آن است. این تنها بورژوازی و خادمان خرده‌بورژوازی آن هستند که با گفته فردریک جیمسون آرامش می‌یابند: «تصور پایان جهان، آسان‌تر از تصور پایان سرمایه‌داری است» («فیوچر سیتی»، نیو لفت ریویو ۲۱، ص ۷۶). در حالی که ثروتمندان قادرند به پناهگاه‌های خود بروند، آثار ویروس تا ماه‌ها، اگر نه سال‌ها، بر طبقه کارگر باقی خواهد ماند؛ طبقه‌ای که کشیشان سرمایه‌بدانان وعده داده‌اند که رنج کشیدن‌شان بازگشت به «وضعیت عادی» استثمار را شتاب خواهد بخشید.

۵-۱: تکرار می‌کنیم: کمونیسم ترمیم‌گرایانه نیست. بربریت و تخریب را نمی‌ستاید. کمونیسم انقلابی است. کمونیسم «سرنگونی قهری همه شرایط اجتماعی موجود است» (مارکس و انگلس، مانیفست حزب کمونیست). تنها با قبضه ابزار تولید است که کارگران از وجود مصیبت‌بار «امکان‌مندی غائی و بی‌معنائی» تحمیل‌شده بر آن توسط سرمایه می‌گیرند و بدین طریق به این نظام پایان داده و نظامی مبتنی بر برآوردن نیازها ایجاد می‌کنند.

این یادداشت ترجمه‌ای است از:

<http://www.redcritique.org/WinterSpring2014/thevirusisnotanewontology.htm>

۱. شتاب‌گرایی ایده بلاهت‌بارانه‌ای است که در نظریات دلوز و گتاری ریشه دارد. بنا بر این ایده، سرمایه‌داری خود نیروهائی را تولید می‌کند که این نیروها مرزهای سرمایه را در خواهند نوردید. با این حساب، مسیر گذار از سرمایه‌داری شتاب بخشیدن به فرایند مرزشکنی سرمایه‌داری است. پس، رهائی از سرمایه‌داری تنها به‌میانجی توسعه شتاب‌زده سرمایه‌داری روی می‌دهد.